



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چگونه باید به امام زمان علیه السلام سلام گفت

نویسنده:

سید محمد کاظم قزوینی

ناشر چاپی:

موسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر علیه السلام

فهرست

۵	فهرست
۶	چگونه باید به امام زمان علیه السلام سلام گفت
۶	مشخصات کتاب
۶	السلام عليك يا بقیة الله
۶	السلام على معزالایاء و مذل الاعداء
۶	السلام على شمس الظلام و بدر التمام
۷	السلام على صاحب الصمصام و فلاق الهام
۷	السلام على ربيع الانام و نضرة الايام
۷	السلام على المهدي و الذي وعد الله عزوجل به الامم
۷	نجوایی با امام
۸	سخنی چند
۸	وعده خدا حق است
۹	مهدی تمام شرق و غرب جهان را زیر نفوذ خواهد گرفت
۹	اعتقاد به حضرت مهدی
۱۰	مهدی در میان سایر ادیان
۱۰	درد بر منتظران خورشید جهان افروز
۱۱	انتظار در آینه روایات
۱۱	منتظران حقیقی
۱۱	تفسیر انتظار
۱۲	منتظران الهام گیر
۱۳	ای بهار آزادی

چگونه باید به امام زمان علیه السلام سلام گفت

مشخصات کتاب

عنوان: چگونه باید به امام زمان سلام گفت برگرفته از آثار آیه الله سید محمد کاظم قزوینی و از کتاب: چشم به راه مهدی موسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر علیه السلام ترجمه: سید محمد حسینی

السلام عليك يا بقیة الله

برگرفته از آثار آیه الله سید محمد کاظم قزوینی **** چگونه باید به امام مهدی علیه السلام سلام گفت و درود فرستادن بر آن گرامی چگونه است؟ در روایتی آمده است که: «سأل رجل من الامام الصادق علیه السلام: «هل یسلم علی القائم بامرء المؤمنین؟» قال علیه السلام: «لا... ذاک اسم سمی الله به امیر المؤمنین، لم یسم به أحد قبله و لا یسمى به بعده الا کافر.» فقال رجل کان حاضرا عند الامام الصادق علیه السلام: جعلت فداک... و کیفیت یسلم علیه؟» قال علیه السلام: «تقول: السلام علیک یا بقیة الله!» ثم قرأ قوله تعالی: بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین.» (۱) یعنی: مردی از امام صادق علیه السلام پرسید که: «می شود به قائم علیه السلام گفت: السلام علیک یا امیر المؤمنین؟» امام صادق علیه السلام پاسخ داد: «نه! چرا که این عنوان، ویژه علی علیه السلام است و قبل و بعد از او، کسی جز کافر، به این عنوان، خوانده نمی شود.» دیگری پرسید: «فدایت شوم! پس چگونه بر امام مهدی می توان سلام گفت؟» فرمود: «هرگاه خواستی بر او درود فرستی می توانی بگویی: السلام علیک یا بقیة الله!» و آنگاه این آیه شریفه را خواند که: «بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین.» (۲) از این روایت و دیگر روایات استفاده می شود که به مردم اجازه داده نشده است که حضرت مهدی علیه السلام را به هنگام زیارت و سلام، بنام مبارک یا کنیه اش ندا دهند و بگویند: «السلام علیک ایها المهدی!» و این نشانگر تعظیم و تجلیل بر مقام والای اوست همانگونه که خداوند در قرآن شریف مسلمانان را نهی فرمود که پیامبر را بنام صدا بزنند: «...لا تجعلوا دعاء الرسول بینکم کدعاء بعضکم بعضا.» (۳) امام باقر علیه السلام فرمود: هر کس از شما قائم علیه السلام را درک نمود هنگامی که او را دید باید بگوید: «السلام علیک یا اهل بیت الرحمة و النبوة و معدن العلم و موضع الرسالة.» (۴) یعنی: سلام بر شما ای خاندان رحمت و نبوت، سلام بر شما ای سرچشمه دانش و کانون رسالت.

السلام علی معزالایاء و منزل الاعداء

برگرفته از آثار آیه الله سید محمد کاظم قزوینی **** سلام و درود بر خاتم اوصیا مفاخر اولیا، کواکب فروزان آسمان ولایت و تنها باقیمانده خاندان عصمت علیه السلام که با قیام خود، آخرین حلقه از حلقات مبارزه حق و باطل را به پایان برده و کاخهای ستم و کنگره های بیداد را برای همیشه در هم کوبیده و آنچه غایب بعثت انبیا و کوشش اولیا بوده در جامعه تحقق خواهد بخشید.

السلام علی شمس الظلام و بدر التمام

برگرفته از آثار آیه الله سید محمد کاظم قزوینی **** سلام و درود بر خورشید فروزان امامت که از پس ابر غیبت بر زوایای قلب شیفتگانش نور امید می افشاند و بر مظلومان و مستضعفان نوید رهایی می دهد و با طوفان قیامت منافقان، حیلہ گران و دغلبازان را از صحنه خارج کرده و مدعیان دروغین حقوق بشر را رسوا نموده و مظلومان حق از دست دادگان را به حقوق حقه خود نایل خواهد ساخت.

السلام علی صاحب الصمصام و فلاق الهام

برگرفته از آثار آیه الله سید محمد کاظم قزوینی **** سلام و درود بر بزرگ انقلابی تاریخ بشریت که با انقلاب بی نظیرش بساط ستم و ستمگری را در جهان برچیده و بر حکومت‌های نظام‌های باطل خاتمه داده و بیدادگران و ستم پیشگان را برای ابد در زباله دان تاریخ دفن نموده و پرچم عدالت و رحمت را بر بسیط زمین برافراشته و حکومت عدل را جایگزین حکومت جور خواهد نمود.

السلام علی ربیع الانام و نصره الایام

برگرفته از آثار آیه الله سید محمد کاظم قزوینی **** سلام و درود بر بهار انسانها و شکوفایی دورانها، یعنی آنکه با ظهورش فجر نور شکافته و همه جا نور باران می شود عدل و مساوات همه گیر شده و نابسامانی ها در تمام محورهای فرهنگی اقتصادی سیاسی، و... از میان خواهد رفت؛ جهل ها و ستمها رخت خواهد بست؛ عقل ها و دانشها به کمک خواهد رسید و زندگیها با طراوت و انسانها با صفا خواهند شد.

السلام علی المهدی و الذی وعد الله عزوجل به الامم

برگرفته از آثار آیه الله سید محمد کاظم قزوینی **** سلام و درود بر انبیاء و اولیایی که از ظهور و قیام و حکومت جهانی او نوید داده و انتظار قدم مبارکش را به رهروانشان توصیه نموده اند. سلام و درود بر رهروان و شیفتگان و دلباختگان او که حتی یک لحظه از لحظات زندگی از یاد او غافل نبوده و برای رسیدن به وصال دلربایش از هیچ سعی و کوششی دریغ نمی ورزند و افتخار زیارت او را با سلطنت بر زمین و زمان مبادله نمی کنند.

نجوایی با امام

برگرفته از کتاب: چشم به راه مهدی **** بسم الله الرحمن الرحیم اماما، عاشق تویمم و دوستدار دوستاران تو و خاک پای منتظران تو، اما فسوسا که خود، خانه دل را برای انتظار تو مهیا نساخته ایم. اماما، با مژگان نرویده ایم گرد راه را، با اشک، نشسته ایم غبار دل را. اماما، نرویده ایم غبار گناه از دل، اما عاشقیم، نمی دانیم این عشق سوزان، در کجای جانمان جای گرفته که بی تابمان کرده. اماما، شرمنده ایم که خانه دل را برای حکمرانی تو، پاک نساخته ایم. اماما، از کاروان عاشقان تو، عقب مانده ایم. مرکب راهوار نداریم که به این کاروان شورانگیز، دست یابیم. اماما، راه، پیچاپیچ است و پر از گردنه های هراس انگیز، ما، بی پا افزار و توشه، سرگردان. اماما، خمینی آمد و گزید و برد و ما پس مانده ها و واژه ها، ترسیم که هیچگاه به آن آستان جلال راه نیابیم و غبار شویم و در هوا معلق و سرگردان، نه آرامشی، نه قراری، نه پناهی و نه منزلی. اماما، بیم آن را داریم در عمق شب، گم شویم و گرفتار رهنمان. اماما، می دانیم که خود، خود را به وادی هول انگیز بلا افکنده ایم، اما هنوز، کورسویی از چراغ عشق، در جانمان سو سو می زند. اماما، دریا آشنایان، به عمق دریای عشق فرو رفتند و ما در ساحل مانده ایم، نه چشمی که آن همه زیبایی را ببینیم و نه انسی با امواج که با آنها در آمیزیم و نه پرتوی از عشق که به جان حقیقت راه یابیم. اماما، عشق، رخی نمود و جلوه ای کرد، ولی ما سرگرم بودیم و از شربت گوارای عشق، ما را بهره ای نرسد. اماما، نسیم عشق وزید و ما در غفلت بودیم، اینکه بی نصیبی از نسیم عشق، چگونه از این بیابان آشناک رهایی یابیم و جانهای پژمرده خود را با نسیم دل انگیز صبح، شاداب کنیم. اماما، راه دشوار است و رهن، بسیار و عجبا همه در لباس مهر و محبت و راهنما و دل می سوزانند و به نرمی و گرمی، راه می بندند که

ما راه می نمایانیم. اماما، ابوجهل ها، بسیار شده اند. همانان که تا دیروز خسی بودند و اسیر باد، امام اینک که با پایمردی روح خدا، پایبند شدند و استقرار یافتند، به خود می خوانند. اماما، «ابولهب»ها نیز بسیار شده اند. لهیب کینه هاشان، سرکش است و سوزنده. توان دیدن هیچ زیبایی را ندارند، دوست دارند، همه چیز را خاکستر ببینند. اماما، «حمالۀ الحطب»ها، روزان و شبان، هیزم کشی می کنند، تا آتش های کینه ها را بگیرانند و همیشه آنها را سوزنده و سرکش نگهدارند. اماما، رسوایان و ناخالصان رانده شده، ناصافان تصفیه شده، دوچهرگان نقاب افکنده شده، مرتجعان زمین گیر شده، کژاندیشان تارانده شده... در بیغوله ها و تاریک خانه ها پناه گرفته اند و در کار غیبت مردان حاضر در صحنه های کارند و جهاد و به سخره گرفتن مردان راسخ در دین. اماما، فسونگران، گروه گروه در ویرانه ها گردهم آمده اند و بر گرهما می دمند، تا گرّه در کار زمینه سازان انقلاب جهانی تو اندازند و سرعت این حرکت مقدس را کند کنند. اماما، خدعه ها و ترفندها بسیار به کار بستند و می بندند تا عاشقان تو را از راهی که برگزیده اند، باز دارند و نگذارند نور حق، جلوه کند. اماما، با این همه، عشق به تو، چنان سوزان است و حرکت آفرین که در جلو راه مردان و زنانی که به عشق تو می زیند، هیچ مانعی و هیچ بازدارنده ای، تاب مقاومت ندارد، همه، می سوزند و بر باد می روند. اماما، تا پیش از طلوع خورشید ۵۷، تصویر روشنی از حرکت جهانی تو نداشتیم که چگونه میلیون ها انسان، سر بر آستان تو می ساینند و به امر تو عاشقانه سر می دهند و جگر گوشه های خود را تقدیم می دارند، در تو ذوب می شوند و بسان پولاد، مقاومند، صخره وش جلوی دشمن تو صف می بندند، زمین زیر گامهایشان، به لرزه درمی آید، در عین حال چهره های آرامی دارند و لبهای خندان و دستان یتیم نواز و قلبهای پر از مهر و صفا. اما، در فجر ۵۷ و پس از طلوع خورشید گرمابخش در بهمن سرد، به بهار خرم و شاد، که همه آلاله ها در پای تو می ریزند، همه گلهای سرخ سرخ بر تو لبخند می زنند، همه مرغان نغمه خوان به عشق تو می سراینند، همه چشمه ها، به عشق تو می جوشند، گل و گیاه به عشق تو جان می گیرند و طراوت و شادابی می یابند، ایمان آوردیم. ایمان آوردیم که «دجال»ها رسوا می شوند. ایمان آوردیم که «سفیانی»ها سر به نیست می شوند. ایمان آوردیم که فریاد تو، ندای حیات بخش نو، مهرورزی های تو، کران تا به کران را در خواهد نوردید و فوج فوج، به سوی تو خواهند آمد و تو را چونگینی در آغوش خواهند گرفت. اماما، نسیمی از بوستان عشق تو، در این ملک وزید، حیات آفرید، مردگان را زنده کرد و شوری عظیم انگیخت، اگر خدا لطف کند و تو از پرده به در آیی و پا در این ملک گذاری و آن نسیم دل انگیز، شبان و روزان بوزد، چه خواهد شد؟ آیا مرگ هم معنی خواهد داشت؟ یا همه چیز و همه کس به آب حیات دست خواهند یافت و رقصان و پای کوبان به سوی وادی ایمن، وادی بی خزان، وادی بی مرگ، ره خواهند سپرد و در آن سرزمین بی گزند، جاودانه خواهند زیست. اماما، به عشق تو، صفحه صفحه این صحیفه را نگاشته ایم و با اشک فراق تو آن را آراسته ایم، امید آن داریم که به جمع ما، از سر مهر نظر افکنی و در هنگامه ها راهمان بنمایی.

سخنی چند

وعدۀ خدا حق است برگرفته از آثار آیه الله سید محمد کاظم قزوینی **** آری! وعدۀ خدا حق است و تخلف ناپذیر! آن روز فرا خواهد رسید که چهره درخشان او نمایان و با اشعه طلائی خود ظلمت غم افزای شب را از بین خواهد برد و آنان را که در تاریکی فساد و طغیان از هر گونه تحرک وامانده و گرفتار طوفان هولناک جرایم، جنایات امواج خطرناک ظلم و ستم گردیده اند به ساحل نور و عدالت هدایت خواهد کرد.

وعدۀ خدا حق است

برگرفته از آثار آیه الله سید محمد کاظم قزوینی **** آری! وعدۀ خدا حق است و تخلف ناپذیر! آن روز فرا خواهد رسید که

چهره درخشان او نمایان و با اشعه طلائی خود ظلمت غم افزای شب را از بین خواهد برد و آنان را که در تاریکی فساد و طغیان از هر گونه تحرک وامانده و گرفتار طوفان هولناک جرایم، جنایات امواج خطرناک ظلم و ستم گردیده اند به ساحل نور و عدالت هدایت خواهد کرد.

مهدی تمام شرق و غرب جهان را زیر نفوذ خواهد گرفت

برگرفته از آثار آیه الله سید محمد کاظم قزوینی **** آری! سیطره حکومت و سلطنت او که بر مبنای عدل و صلح واقعی مبتنی است تمام شرق و غرب جهان را زیر نفوذ خواهد گرفت و تمام فاصله ها و مرزها را نابود و هر گونه اختلاف طبقاتی را محو و تمام انسانها را: شرقی و غربی، آمریکایی و آفریقایی، آسیایی و اروپایی، سفید و سیاه، سرخ و زرد همه و همه را زیر یک پرچم گرد آورده پیرو یک آیین ساخته و در تمام نقاط عالم بانگ «لا اله الا الله و محمد رسول الله و علی ولی الله» را طنین انداز خواهد نمود و در میان ملل و امم، قانونی غیر از قانون مقدس اسلام به رسمیت نخواهد شناخت.

اعتقاد به حضرت مهدی

برگرفته از آثار آیه الله سید محمد کاظم قزوینی **** اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام و ظهور آن منجی بشریت و ذخیره الهی اختصاص به مذهب شیعه ندارد؛ بلکه اعتقاد به حضرت ولی عصر و مصلح غیبی را در فضاهای برون از حوزه اعتقادات و فرهنگ تشیع باید جستجو کرد؛ زیرا اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام در سرتاسر آفاق زمانی و مکانی اسلام، کتاب ها و تألیف ها، مسجدها و مدرسه ها میان مشایخ و اساتید حدیث و عالمان گوناگون اهل سنت مفسران و محدثان مورخان و نسابگان رجال نویسان و تراجم نگاران ادیبان و لغویان و عارفان و شاعران، بصورت مبسوط مطرح است. همه و همه در کتابهای مختلف خویش به ذکر احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام پرداخته و سخنانی بس جالب در شمایل و سیرت فضایل و منقبت علایم ظهور و کیفیت قیام و چگونگی استقرار و حکومت جهانی او گفته اند. بسیاری از علمای بزرگ اهل سنت همانند: ترمذی صاحب «السنن» متوفای ۲۹۷، ابو جعفر عقیلی، صاحب «الضعفاء الکبیر» متوفای ۳۲۲، بیهقی، متوفای ۶۷۱، قرطبی، متوفای ۶۷۱، ابن کثیر، متوفای ۷۷۴، ابن حجر اسقلانی، متوفای ۸۵۲، سیوطی، متوفای ۹۱۱، و... نیز به صحت و یا به متواتر بودن احادیث مهدی علیه السلام تصریح نموده اند. (۵) متقی هندی متوفای ۹۷۵، می نویسد: «علمای مذاهب چهارگانه شافعی، حنفی مالکی و حنبلی، در صحت احادیث مهدی علیه السلام اتفاق نظر دارند و معتقدند که واجب است تمام مسلمانان بر این موضوع ایمان بیاورند.» (۶) بعضی دیگر مانند ابن خلدون می گوید: «بین تمام اهل اسلام در طول تاریخ مشهور است که در آخر الزمان مردی از اهل بیت به نام مهدی قیام خواهد نمود و دین اسلام را یاری و عدالت را گسترش خواهد داد و تمام مسلمین از آن متابعت نموده و بر تمام ممالک اسلامی مستولی خواهد شد.» (۷) و همچنین زبیدی می نویسد: «مهدی نام کسی است که رسول اکرم (ص) بشارت آمدن آن را داده است. جعلنا الله من انصاره.» (۸) و حافظ شیخ منصور علی ناصف می گوید: «در میان تمام طبقات علما و دانشمندان مشهور است که: در آینده مردی به نام مهدی، ظهور خواهد کرد و تمام ممالک اسلام را تحت سیطره خود در آورده و موجب بسط عدالت و در میان مردم خواهد شد.» و سپس اضافه می کند که: «احادیث مهدی را گروهی از نیکان صاحبه نقل کرده و بزرگان محدثین مانند: ابن داود، ترمذی، ابن ماجه، طبرانی، ابویعلی، احمد بن حنبل و حاکم نیشابوری در تألیفات خود آورده اند. و تواتر اخبار مهدی بر همگان روشن است هر کس که کوچکترین آگاهی و ذره ای ایمان و اندکی انصاف داشته باشد، نمی تواند این قضیه را انکار نماید.» (۹) پس معلوم است که مسئله حضرت مهدی علیه السلام در قلمرو گسترده فرهنگ اسلامی اهل سنت نیز به نحو مبسوط، بحث شده و در این زمینه، مستقلا یا ضمنا کتاب ها و مقالات متعددی به رشته تحریر درآمده و در معتبرترین کتابهای اهل سنت

مانند «الرساله» از محمد بن ادریس شافعی، رئیس مذهب شافعیه، متوفای ۲۰۴، «مسند» احمد بن حنبل، رئیس مذهب حنابله، متوفای ۲۴۱، «صحیح بخاری» از محمد بن اسماعیل بخاری، متوفای ۲۵۶، «صحیح مسلم» از مسلم بن حجاج، متوفای ۲۶۱، «سنن ابن ماجه» از محمد بن یزید بن ماجه قزوینی، متوفای ۲۷۵، «سنن ابی داود» از ابو داود سلیمان بن اشعث، متوفای ۲۷۵، «صحیح ترمذی» از محمد بن عیسی ترمذی متوفای ۲۷۹، و... ویژگیهای حضرت مهدی علیه السلام و علایم ظهور حکومت جهانی و استیلاي آن حضرت بر عالم، مطرح گردیده است. (۱۰) موضوع ولادت حضرت مهدی علیه السلام در میان تاریخ نگاران نسابگان و پژوهشگران از ضروریات و مسلمات قطعی تاریخ بشمار می رود. فقیه عالیقدر، حضرت آیت الله صافی در کتاب خویش «منتخب الاثر» (۱۱) نام ۶۵ نفر محقق گرامی فقیه ایمانی، در کتاب خود «مهدی منتظر در نهج البلاغه» (۱۲) نام ۱۰۲، محقق توانا و کاوشگر فرزانه و برادر صدیق ما، جناب ثامر عمیدی نام ۱۲۸ نفر (۱۳) از علما و بزرگان اهل سنت را آورده اند که در کتابهای خود به ولادت حضرت مهدی علیه السلام تصریح کرده اند. و همچنین محقق یاد شده نام ۷۹ نفر را ذکر کرده که در دوران طفولیت و یا قبل از آغاز غیبت کبری وجود مقدس حضرت ولی عصر ارواحنا فداه را مشاهده نموده اند. (۱۴)

مهدی در میان سایر ادیان

برگرفته از آثار آیه الله سید محمد کاظم قزوینی ***** باید گفت: عقیده به مهدی و مصلح بزرگ جهانی از حوزه اعتقادات مسلمین نیز فراتر رفته و در ادیان قدیم مانند: آیین زرتشتی، هندی، بودائی، یهود، مسیحیت و... به عنوان یک اصل مسلم و قطعی مطرح است و هر یک از انبیا سلف و رهبران مذهبی گذشته به پیروانشان از آمدن، مصلح غیبی و تشکیل دهنده حکومت واحد جهانی بشارت داده و به مظلومان، ستمدیدگان، مستضعفان و بیچارگان، از سپری شدن فصل چپاولگران بین المللی و غارتگران حرفه ای و ستم پیشگان بی رحم و فرارسیدن فصل شکوفایی عدالت و پیاده شدن قانون مقدس الهی در سراسر گیتی نوید داده اند. در کتاب «اوستا» و «زند» زرتشتیان، «شاد کمونی» و «دید» هندیان، «دادتک» و «پاتیکل» برهمنیان و در کتاب مقدس بوداییان، در مزامیر «زبور» منسوب به حضرت داود و در فصل «تورات» منسوب به حضرت موسی و اسفار «انجیل» منسوب به حضرت عیسی و... سخن از ظهور منجی بشریت و مصلح کل و برهم زننده بساط ظلم و ستم و تشکیل دهنده حکومت واحد جهانی مبتنی بر پایه های عدالت نوید داده شده است. در هر یک از آیین، ادیان، مکاتب، ملل و اقوام، از مصلح جهانی با تعبیرهای متناسب با فرهنگ خود نام برده و سخن گفته اند. شعر: هر یک به زبانی سخن حمد تو گوید بلبل به غزل خوانی و طوطی به ترانه در آیین زرتشت از او به نام «سوشیانت» یا «سوشیانس» (نجات دهنده بزرگ جهان) در میان یهودیان به نام «ماشیح» (مهدی جهان) و در آیین هندی به نام «آواتارا» و در آیین بودایی به نام «بودای پنجم» و در میان برهمنیان به نام «ویشنو» و در کتاب شکامونی از کتب مقدس هندیان به نام «فرزند سید خلاق دو جهان» و در کتاب مقدس دادتک برهمنیان به نام «آخرین وصی ممتاطا» (محمد) و در کتاب پاتیکل به نام «راهنما» (هادی، مهدی) تعبیر نموده اند. و اهالی صربستان در انتظار «ماکو کرایویچ» ساکنان جزایر انگلستان در انتظار «ارتور» ایرانیان در انتظار «گرازاسپه»، یونانیان در انتظار «کالویرگ»، اقوام اسکانندیناوی در انتظار اودین، اقوام اروپای مرکزی در انتظار «بوخص» و اقوام آمریکای لاتین در انتظار «کوئزلکوتل» و چینی ها در انتظار «کرشنا» بسر می برند. (۱۵) بنابراین، مسئله اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام و مصلح واقعی و تشکیل دهنده حکومت واحد جهانی، یک اصل قطعی و مسلم و پذیرفته شده میان پیروان تمام ادیان و مذاهب و ملل بوده است.

درود بر منتظران خورشید جهان افروز

برگرفته از آثار آیه الله سید محمد کاظم قزوینی ***** درود بیکران به منتظرانی که به نوید غیر قابل تغییر انبیا و اولیا، مبنی بر

آمدن «مصلح جهانی» امید دوخته اند. به منتظرانی که برای طلوع فجر حماسه آفرین «خورشید جهان افروز موعود امم» در بلندای قله های بیداری، به انتظار نشسته اند. به منتظرانی که در تاریکی های استبداد و ظلمت بیداد، در انتظار سپیده نور عدالت، لحظه شماری می کنند. به منتظرانی که در زیر فشار هوای کشنده اختناق، برای وزیدن نسیم حیات بخش آزادی، دل خوش کرده اند. به منتظرانی که در تیرگیهای چپاول غارتگران بین المللی، قلبهای خود را به فرارسیدن روز رهایی و پایان استعمار و استثمار، بشارت داده اند. به منتظرانی که در برابر سیل خروشان فساد و بی بندباری، همانند فولاد، مقاومت نموده و خم به ابرو نمی آورند.

انتظار در آینه روایات

برگرفته از آثار آیه الله سید محمد کاظم قزوینی **** در آینه روایات و احادیث، کمتر موضوعی همانند «انتظار» مورد عنایت امامان نور علیهم السلام قرار گرفته است. گاهی از آن بعنوان بهترین عبادت و نیایش حق تعبیر گردیده: رسول اکرم (ص) فرمودند: «افضل العبادة، انتظار الفرج.» (۱۶) و گاهی انتظار همسنگ حضور در خیمه حضرت ولی عصر علیه السلام و مصاحبت با رسول اکرم (ص) قلمداد می شود: امام صادق علیه السلام فرمودند: «من مات منكم و هو منتظر لهذا الامر كمن هو مع القائم في فسطاطه، ثم سكت هنيهة ثم قال: هو كمن كان مع رسول الله (ص).» (۱۷) و گاهی انتظار به منزله غلطیدن در خون خویش در راه خدا معرفی شده: حضرت علی علیه السلام فرمودند: «...المنتظر لامرنا كالمتشحط بدمه في سبيل الله.» (۱۸) و گاهی آن هم وزن شهادت در رکاب رسول اکرم (ص) قرار گرفته: امام صادق علیه السلام فرمودند: «من مات منكم منتظر لهذا الامر... كمن استشهد مع رسول الله (ص).» (۱۹)

منتظران حقیقی

برگرفته از آثار آیه الله سید محمد کاظم قزوینی **** منتظران حقیقی کسانی اند که: انتظار را، خودسازی خویش در مقابل هواها و خواهشهای نفسانی می دانند. منتظرانی که انتظار را، بسیج همگانی برای نهضت جهانی انقلابی بزرگ تاریخ بشریت تفسیر می کنند. آنان که انتظار را، مهیا شدن جهت مبارزه با جباران و خون خواران در زیر پرچم بزرگ پرچمدار عدالت می دانند. آنان که انتظار را جز تواضع در برابر حق و خروش در برابر باطل، نمی دانند. منتظرانی که انتظار را جز تسلیم در مقابل عدل و خروش در مقابل بیداد، نمی دانند. آنان که انتظار را جز فریاد جاودانه محمد (ص) بر علیه مشرکان چپاولگر و شمشیر همواره افراشته علی علیه السلام بر فرق منافقان غارتگر و خون همیشه جوشان حماسه آفرین حسین علیه السلام در بستر تاریخ، تفسیر نمی کنند.

تفسیر انتظار

برگرفته از آثار آیه الله سید محمد کاظم قزوینی **** انتظار یعنی، چشم به راه «بنیانگذار حکومت جهانی اسلامی» که برای اولین بار، پرچم پرافتخار اسلام را در سراسر شرق و غرب عالم به اهتزاز در می آورد. «يفتح الله له شرق الارض و غربها... حتی لا یبقی الا دین محمد (ص)» (۲۰) و به دوران کفر جهانی و شرک بین المللی خاتمه داده و اختلاف بین مذاهب و ادیان را پایان می بخشد. «لیرفع عن الملل و الادیان الاختلاف.» (۲۱) و بساط طرفداران دروغین مذهب و مکتب الهی را در هم می پیچد: «یرفع الله المذاهب من الارض فلا یبقی الا الدین الخالص.» (۲۲) و بانگ رسای توحید و نبوت را در سراسر عالم طنین انداز خواهد نمود: «لا یبقی قریة الا نودی فیها بشهادة ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله بکره و عشا» (۲۳) انتظار یعنی: چشم به راه «مصلح کل» و مؤسس حکومت عدل الهی و «انقلابی بزرگ تاریخ بشریت» که با انقلاب بی نظیرش، بساط ستم و بیداد را در جهان برچیده و حکومت عدل و داد را جایگزین آن کرده و سراسر گیتی را از عدل و داد پر خواهد نمود آن چنان که از ظلم و بیداد مملو گشته؛ و

تمام تشنگان عدالت، با جان و دل، اگر چه با سینه خیز رفتن از روی برفها، بسوی او خواهند شتافت: «فیملاها قسطا و عدلا کما ملاوها جورا فمن ادراک منکم فلیأتهم ولو حبوا علی الثلج». (۲۴) انتظار یعنی: چشم به راه طلوع سپیده امید، شکافتن فجر نور عدالت، نور باران شدن سراسر گیتی و همه گیر شدن عدل و مساوات در تمام محورها آنچنان که پرندگان در آشیانه های خود ابراز خوشحالی نموده و ماهیان در اندرون دریاها اظهار شادمانی کنند: «فعند ذلک یفرح الطیور فی او کارها و الحیتان فی بحارها». (۲۵) انتظار یعنی: چشم به راه خورشید فروزان امامت که با درخشیدن او، دوران ظلمت غم افزای ظلم و بیداد پایان پذیرفته و کاخ ستم و ستمگری ویران گشته، ایام دادخواهی مظلومان و بیچارگان فرا رسیده و از ستمدیدگان آنچنان رفع ستم خواهد نمود که اگر ستمدیده ای، زیر دندان ستم پیشه ای باشد آن را باز ستاند و به صاحبش برگرداند: «یبلغ رد المهدی المظالم حتی ولو کان تحت ضرس انسان شیء انتزعه حتی یرده». (۲۶) انتظار یعنی چشم به راه چشمه سار عدالت و جلوه گاه ولایت که با حاکمیت مطلق عدل، ظلم و بیداد برای همیشه از تاریخ بشر محو شده و عدل و داد آنچنان بال و پرش را بر سر ساکنان زمین می گسترد که نسلهای آینده جز عدل چیزی نمی شناسند و به غیر از داد، به چیزی عمل نمی کنند: «حتی یولد قوم لا یعرفون الا العدل و لا یعملون الا به». (۲۷) انتظار یعنی: چشم به راه بنیانگذار حکومت عدل و داد و برهم زننده بساط ظلم و بیداد که در سایه شمشیر عدالت او تمامی ستمگران جنایتکار و منکران طغیانگر و دشمنان تجاوزگر و مخالفان عنادگر، از صفحه گیتی محو خواهد شد: «فلا یبقی علی وجه الارض جبار قاسط و لا جاحد غامط و لا شانی مبغض و لا معاند کاشح». (۲۸) و در عرصه زمین نشانی از ظلم اثری از بدعت به چشم نخواهد خورد: «حتی لا یری اثر من الظلم». (۲۹) و ابر عدالت و دادگری سایه خود را بر روی ساکنان کره خاکی می گسترد که کسی را جرئت تجاوز و ستم به حریم دیگری نخواهد بود: «... و وضع میزان العدل بین الناس فلا یظلم احد احدا» (۳۰) انتظار یعنی: چشم به راه سمبل فضیلت و الگوی کرامت که ثروت خدادادی را به رایگان در اختیار همگان قرار داده بر مسئولین کشوری و لشکری بسیار سختگیر و به بینوایان بسیار مهربان است: «المهدی سمح بالمال شدید علی العمال، رحیم بالمساکین». (۳۱) انتظار یعنی: چشم به راه پدید آورنده تحول بزرگ جهانی که فقر و نیازمندی را برای همیشه از جوامع بشری ریشه کن کرده همگان را در سایه فضل و رحمت الهی بی نیاز خواهد نمود آنچنانکه مردم، کسی را نمی یابند که هدایا و زکات خود را به وی بپردازند: «یطلب الرجل من یصله بماله و یأخذ زکاته فلا یجد احدا تأخذ ذلک استغناء بما عند الناس من فضله». (۳۲)

منتظران الهام گیر

برگرفته از آثار آیه الله سید محمد کاظم قزوینی **** در عصری که ابر سیاه ستم و بیداد، بر سر مظلومان و مستضعفان، سایه افکنده و حقوق بیچارگان بوسیله مدعیان دروغین حقوق بشر، مورد تجاوز قرار گرفته و انسانیت انسانها بنام خدمت به انسان، به استهزا گرفته شده و با نهضتهای رهایی بخش اسلامی که مانع بیدادگری آنان بوده، مبارزه نموده و رهروان آزاده مکتب انسان ساز اسلامی را به خاک و خون می کشند و... منتظران معتقدند که باید: با الهام از ابراهیم بت شکن، بتهای ابرقدرت شرق و غرب را در هم کوبید و بتخانه های جاسوسی بین المللی آنان را ویران ساخت. با الهام از مبارزه بی امان حضرت موسی، با ستم پیشگان و ستمگران به مبارزه برخاسته و با سردمداران بیدادگر شرق و غرب به ستیز پرداخت و آنان را به سزای اعمال ننگین خود رساند. با الهام از کوشش بی دریغ حضرت نوح، مظلومان و مستضعفان را در کشتی نجات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام فراخوانده و آنان را از غرق شدن در گرداب طوفان سهمگین فساد و بی بندباری و طغیان و بیدادگری، نجات داده و نفرین همیشه جاوید خود را به هستی زورداران قلدر، و زر اندوزان بی قید و شرط، نثار نمود. با الهام از نبی رحمت و ناجی امت حضرت رسول اکرم (ص) آغوش گرم و پرمهر خود را جهت نوازش معتقدان به حاکمیت الله گشوده و تمام توان و قدرت خود را برای در هم کوبیدن بساط ستم و جنایت مهیا ساخت. با الهام از مکتب سرخین تشیع علوی، فریاد کوبنده خود را بر فرق یهودیان دوران و

منافقان زمان وارد نموده و به هستی نکبت بار آنان خاتمه داد. با الهام از بردباری و پایداری حسنی، پرده از روی جنایت پیشگان عصر برداشت و مدعیان دروغین صلح جهانی را رسوا نموده و خائنان به شرافت انسانیت را مفتضح ساخت. با الهام از سرور آزادگان و آموزگار آزادی و آفریننده بزرگ حماسه آزادی دانشگاه بزرگ آزادی و آزادی تأسیس نموده و در هر زمان عاشورا آفرید و همه جا را به کربلا مبدل ساخت و حقیقت غلبه خون بر شمشیر را برای جهانیان اثبات نمود و سرکردگان استثمار و استعمار بین المللی و دشمنان آزادی و آزادی را در سیلاب خونین غرق کرده و برای همیشه نام آنان را از قاموس هستی حذف نمود.

ای بهار آزادی

برگرفته از آثار آیه الله سید محمد کاظم قزوینی **** ای کشتی نجات! اینک گرفتاران امواج پرتلاطم دریای فساد و ظلم و طغیان در انتظار ظهورت لحظه شماری می کنند. ای روزنه امید! اینک اسیران زنجیر استعمار و گرفتاران استبداد، با انتظار روز رهایی از قید اسارت ظلم، دل خوش کرده و شبهای ظلمانی و تاریک بیداد را به امید نور عدالت تو، سپری می کنند. ای چشمه سار جوشان فضیلت! اینک تشنه کامان علم و دانش در انتظار جرعه ای از اقیانوس بیکران علم تو صف کشیده اند. ای بهار آزادی! اینک مظلومان و بیچارگان و ستمدیدگان چشمان خسته خود را به قطرات بارش ابر عدالت تو دوخته اند. ای مایه امید، ای آرزوی دل اولیا، ای آنکه شبهای تار انبیا به امید ظهورت رقم خورده. ای آنکه خشم پرخروش ملکوتیان به یاد انتقامت، فروکش! و ای آنکه قلب پر خون علی علیه السلام را تو مایه تسکین! ای آنکه پلوان شکسته زهرای اطهر علیهاالسلام را تو مرحم! ای آنکه قلب شکسته حسن علیه السلام را تو درمان! ای آنکه خون پاک شهیدان را تو منتقم! ای آنکه بازوان به زنجیر کشیده اسیران را تو نوازش! بیا! تا شکوفه های بهاری به روی زیبای تو لبخند زند. بیا! تا لاله های پرشور گلستان به یاد تو تبسم کند. بیا! که سبزه زاران به خاطر جمال زیبای تو با طراوت شود. بیا! که غنچه ها به یاد تو شکوفا گردد. بیا! که بلبلان برای تو نغمه سر دهند. بیا! که کاخ بیدادگران به دست تو ویران شود. بیا! که ستم پیشگان، به شمشیر انتقام تو کیفر شوند. بیا! که پرچم پرافتخار توحید به دست توانای تو در سراسر گیتی به اهتزاز در آید. بیا! که عدالت در لوای حکومت تو، بر روی ساکنان این کره خاکی، سایه افکند. ای آنکه از موسی برتر! بیا که ید بیضای قدرت الهی را از آستین ملکوتیت برون آر و چشم خیره سران عالم را خیره ساز. بیا! که با نمایان کردن ازدهای قهر خداوندی تمام جادوی جادوگران قرن را باطل ساز و مدعیان دروغین حقوق بشر را رسوا کن. بیا! که با فرو ریختن آتش خشم الهی بر سر ابر جنایت کاران، همه ستم پیشگان را در شعله های غضب خداوندی را بسوزان و خاکستر آنان را بر باد ده تا مظلومان و بیچارگان و ستمدیدگان، نفس راحتی کشند. بیا! که با غرق کردن قافله های بیدادگری و استبدادگران در دریای طوفانی سطوت و انتقام پروردگاری حزب حق و لشکر عدل، مسرور و خندان گردد. بیا! که شیفتگان پروانه وار به طرف شمع وجودت چرخش کنند. بیا! که با آمدن قلب رسول الله (ص) خوشحال و دل علی علیه السلام شاد و چشمان زهرا علیهاالسلام روشن شود. این مقدمه را با زمزمه دعای فرج به پایان می بریم: «اللهم انا نشکوا الیک فقد نبینا صلواتک علیه و آله و غیبه امامنا و کثره عدونا و قله عددنا و شده الفتن بنا» خدایا! از فقدان و از دست دادن پیغمبران، از غیبت و پنهانی امامان، از کثرت و بسیاری دشمنان، از کمی و اندکی تعداد نفراتمان از رو آوردن فتنه ها بسویمان، شکوه و شکایت نزد تو می آوریم. ای زاده پیغمبر! ای میوه دل حیدر! ای امید قلب زهرای اطهر! ما غفلت کردیم متوجه نشدیم، غافلانه و جاهلانه، تو، آن یوسف عزیز را بدون اینکه حتی ثمن بخشی نصیبمان شود، از دست دادیم و اینک در هجران تو، کنعان زندگی ما در خشکسالی سوزان فرو رفته و زندگی بر ما سخت شده، با شرمندگی، دست تمنا بسوی تو گشوده و عرضه می داریم: «یاایهاالعزیز مسنا و اهلنا الضر و جئنا بیضاعه مزجاة فاوف لنا الکیل و تصدق علینا ان الله یجزی المتصدقین.» ای فاتح بزرگ جهان! ای قلب عالم امکان! ای مظهر رحمت بیکران! اینک با

قلبی پر از سوز و سینه ای مملو از گداز و چشمانی سرازیر از اشک، فریاد می نهیم: ای عزیزتر از هر عزیزی! ای گرامی تر از یوسف یعقوب! اگر دلباختگان یوسف با دیدن روی دل آرای او، انگشت بریدند، شیفتگان تو بدون دیدن جمال زیباییات از جان و تن گذشتند و در آتش فراق پروانه وار سوختند، شاید که بر قلبهای سوخته آنان آب وصال ریزی و با صبح ظهورت شام ظلمانی هجران آنان را به روز روشن مبدل سازی. و در پایان از برادر بسیار گرامی و فاضل فرزانه، جناب آقای «احمد مسجد جامعی» قائم مقام محترم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاونت فرهنگی و پژوهشی که در راستای ترجمه، تحقیق و نشر این کتاب، مساعدت خالصانه خود را مبذول داشتند، کمال تشکر را می نمایم، باشد که این عنایت و سایر خدمات گرانقدر و تلاش بی وقفه او در نشر آثار و فرهنگ قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام دارند مورد پذیرش حضرت بقیة الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد ان شاء الله. و همچنین از همکاری های بی دریغ برادر ارجمند جناب آقای «حمیدی» مشاور اجرایی معاونت فرهنگی و پژوهشی کمال سپاسگزاری بعمل می آید. موسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر علیه السلام سید محمد حسینی